



سفارش های امام صادق(ع) در آخرین لحظه های زندگی

امام در لحظه تسلیم کردن جان، وصایایی چند می‌نماید که برخی در امر امامت، برخی در زمینه مسائل خانوادگی و بخشی در مورد عامه است.

امام در لحظه تسلیم کردن جان، وصایایی چند می‌نماید که برخی در امر امامت، برخی در زمینه مسائل خانوادگی و بخشی در مورد عامه است.

- به فرزندان خود فرمود: **فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ**؛ بکوشید که جز مسلمان نمیرید .
- به کسان و خویشان فرمود: **إِنَّ شَفَاعَتَنَا لَا تَنَالُ مَسْتَحِقًّا بِالصَّلَاةِ**؛ شفاعت ما به کسی که نماز را کوچک بشمارد نمی‌رسد .
- به خانواده خود وصیت فرمود که پس از مرگش تا چند سال در موسم حج در منا برای ایشان مراسم عزاداری بر پا کنند.
- دستور دادند برای خویشان و کسان هدیه‌ای بفرستند، حتی هفتاد دینار برای حسن افسس از خویشان ایشان. حسن افسس همان کسی است که با خنجر به امام حمله کرده بود و می‌فرمود می‌خواهد آیه قرآن را در مورد صله رحم اجرا کند.
- بخشی از سفارش‌های ایشان درباره غسل و کفن و قبر خود بود .
- و بالاخره بخشی از وصیت راجع به مردم بود که رووس آن دعوت به وقار و آرامش، حفظ زبان، پرهیز از دروغ و تهمت و دشمنی، دوری از تجاوزکار، پرهیز از حسادت و ترک معاصی و ... بود. (1)

لحظه مرگ

امام صادق علیه السلام در آخرین لحظات حیات که مرگ را نزدیک دیدند، دستور دادند که تمام خانواده و خویشان نزدیکش بر سر بالینش جمع گردند و پس از آن که همه آنان در کنار امام حاضر شدند، چشم بگشود و به صورت یکایک آنها نظر افکند و فرمود: **171#& إِنَّ شِفَاعَتَنَا لَا تَنَالُ مَسْتَحِقًّا بِالصَّلَاةِ**»

این وصیت امام، دلیل آن است که در آئین اسلام، نماز جایگاهی مهم دارد، طوری که امام در آخرین لحظه‌های زندگی از میان هزاران مسئله فقط نماز را سفارش می‌کند و این نیست جز برای این که امام صادق علیه السلام هادی امت و پاسدار دین است و نماز از این دیدگاه از اهمیت فراوانی برخوردار می‌باشد.

امام صادق علیه السلام بدین وسیله خواستند بیان کنند که خویشاوندی با پیامبر صلی الله علیه و آله اگر توأم با انجام فرائض و تکالیف دینی نباشد، سودی به آنان نخواهد داشت، بلکه این نسبت مسؤولیت ایشان را سنگین‌تر خواهد ساخت. ام‌حمیده مادر امام موسی کاظم و همسر امام صادق علیهما السلام از این حال امام در شگفت بوده که چگونه امام به هنگام وفات نیز از این فریضه بزرگ غفلت نداشته است و هرگاه این حال امام را به یاد می‌آورده می‌گریسته است. از کارهای عجیب امام در ساعت رحلتش آن که دستور دادند برای تمام خویشاوندان نزدیکش صله و تحفه‌ای فرستاده شود و حتی برای حسن افسس مبلغ هفتاد دینار فرستاد.

سالمه کنیز و خدمتکار آن حضرت پرسید: **171#&** چگونه به مردی که با دشنه و خنجر به شما حمله آورده و قصد قتل شما را داشته است، چنین مبلغی را عطا می‌فرمائید؟»

امام در پاسخ فرمود: **171#&** می‌خواهی مشمول این آیه قرآن نباشم که فرمود: **171#&** **وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمْرُ اللَّهِ بِهِ يُوصَلَ وَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَ يَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ**؛ و آنان که فرمان خدا را در مورد صله رحم و دلجوئی از خویشاوندان اجرا می‌کنند و از خدایشان می‌ترسند و از محاسبه بدفرجام بیمناکند.

ای سالمه! خداوند بهشت را بیافرید و بوی آن را بسیار خوش و مطبوع گردانید که از فاصله‌ای به مسافت دو هزار ساله به مشام می‌رسد، لیکن عاق و کسی که قطع رحم کرده بوی آن را احساس نمی‌کند و در نمی‌یابد.

این وصیت امام نیز بیانگر اهمیت صله رحم است و رفتار خود امام هم اینگونه بوده که با ارحامش پیوند داشته و حتی با آنان که با او بریده و به قصد کشتنش به طرف او حمله کرده بودند به طریق نیکو رفتار کرد و مبلغی صله فرستاد، و به راستی که این، خلق و خوی انبیاء و اولیاء است. (2)

به نقل از کتاب صفحاتی از زندگانی امام صادق علیه السلام.